

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)

سال یازدهم/ دوره جدید/ شماره ۴۳/ بهار ۱۳۹۵

صص ۶۰-۷۱

نمودی از هم‌گرای مذاهب اسلام در اعتماد محدثان اهل سنت به راوی شیعه عباد بن یعقوب

• رحیم خاکپور

استادیار دانشگاه پیام نور مهاباد

khakpoor.pnumah@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۵



فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی
سال یازدهم
شماره ۴۳- بهار ۱۳۹۵

چکیده

اعتماد متقابل پیروان مذاهب اسلامی و تلاش برای ایجاد وحدت و تشکیل امت واحد، اصل مهمی است که در قرون طلایی اسلام سرلوحه تکاپوی اندیشمندان حکیم بوده است. فراموشی این اصل مهم در پی حوادث تاریخی ناگوار در طول قرنهای متمادی، باعث افتراق بیشتر مذاهب و وهن امت اسلامی شده است. یکی از بارزترین زمینه‌هایی که می‌توان اعتماد متقابل و تبادل علمی-فرهنگی بین مذاهب را در آن مشاهده نمود، نقل روایت از راویان سایر مذاهب است. شیعه و اهل سنت، بخش چشمگیری از روایات خود را از راویان یکدیگر نقل کرده‌اند. عباد بن یعقوب رواجی از راویانی است که به‌رغم ابراز تشیع خود و تبلیغ آن، مورد احترام و شایسته اعتماد بزرگان حدیثی اهل سنت بوده است. روایات متعدد ایشان در کتب حدیثی اهل سنت و اعتماد وافر به ایشان، به حدی است که شیخ طوسی - محدث و رجالی مشهور شیعه - را درباره تشیع عباد بن یعقوب به تردید انداخته است. این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده، در صدد اثبات چند مسئله مهم است: ۱. یکی بودن عباد بن یعقوب رواجی و عباد ابوسعید عصفری ۲. تشیع عباد و ابراز آن و دعوت به سوی آن ۳. اعتماد محدثان مشهور اهل سنت به عباد، به‌رغم علم به تشیع ایشان.

کلیدواژه‌ها: راویان شیعه، راویان مشترک، عباد بن یعقوب رواجی، عباد ابوسعید عصفری.

مقدمه

وحدت امت اسلامی، رعایت اصل اخوت دینی و احترام به سایر مذاهب و پیروانشان، در قرون طلایی و اولیه اسلام، بسیار برجسته و نمایان بوده است و بهرغم تنشهای سیاسی آن روزگار و کشمکشهای کلامی و فقهی، اصول فوق همیشه سرلوحه فعالیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی اندیشمندان و روشنفکران بوده است.

عداوت و خیره‌سری مشهود امروز مسئله‌ای است که به مرور جایگزین اخوت و برابری معمول اسلامی شده است. در ابتدای امر، بزرگان دین به چیزی جز «امت واحد» نمی‌اندیشیدند و تنوع و تعدد و بلکه اختلاف را چیزی جز اقتضای گسترش دین و ملزوم رحمت خداوند متعال نمی‌دانستند.

در عرصه حدیث و علوم مختلف آن، می‌توان نمونه‌های متعددی برشمرد که افراد بهرغم اختلاف اساسی در مسلک و مذهب، نظرات یکدیگر را معتبر می‌شمردند و با آن به دیده تحقیر نمی‌نگریستند؛ علوم شرعی، احادیث و تفسیر قرآن را نزد یکدیگر می‌آموختند، اختلافات را انکار نمی‌کردند و در عین حال، آن را مانعی بر مسیر وحدت و اخوت نمی‌دیدند.

از جمله بارزترین نمونه‌ها و نمودهای «اخوت دینی» و «اعتماد در عین اختلاف»، می‌توان به اخذ حدیث از راویان سایر مذاهب اشاره کرد. در بین شیعه این فعالیت بسیار فراگیر بوده، به طوری که در تقسیم‌بندی اقسام حدیث، باعث ابداع گونه‌ای از احادیث گشته است که «حدیث موثق» نامیده می‌شود.^۱ اگرچه درباره اعتبار «حدیث موثق» و مقایسه آن با سایر اقسام حدیث، همه علمای شیعه هم‌داستان نیستند، ولی صرف وجود این قسم حدیثی، نشان از کثرت راویان غیرشیعی در روایات شیعه دارد. به عنوان مثال کلینی در اصول کافی از راویان سنی مذهبی

همچون حفص بن غیاث قاضی هارون الرشید، غیاث بن کلوب، نوح بن دراج، طلحه بن زید، قاضی وهب بن وهب، عبدالله بن محمد بن ابی دنیا و ... به نقل حدیث می‌پردازد.^۲

پیشینه بحث

درباره رویکرد محدثان اهل سنت نسبت به راویان شیعی، تا این اواخر، کارهای پژوهشی جامعی انجام نشده بود و تصور عمومی بر این بود که اهل سنت، برعکس شیعه، اعتنایی به راویان شیعه مذهب نداشته است. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که برعکس تصور اولیه، تعداد راویان شیعه مذهب در کتب حدیثی اهل سنت نیز از کمیت چشمگیری برخوردار است، به طوری که ذهبی - محدث و رجالی مشهور قرن هشتم - می‌گوید: تشیع بدون غلو و افراط در بین تابعان رایج بود و اگر احادیث ایشان به دلیل تشیع طرد شود، بخشی از سنت پیامبر (ص) از بین خواهد رفت.^۳ طبسی ادعا می‌کند که بخاری و مسلم حتی از شیعه‌های متهم به رفض و غلو نیز احادیثی نقل کرده‌اند.^۴

نکته مهم دیگری که در نظام حدیثی اهل سنت شایسته توجه است، اینکه وجود راویان شیعه مذهب در سند احادیث باعث تنزل رتبه حدیث از «صحیح» به «موثق» نشده است، بلکه با احراز صداقت و ضبط راوی، حدیث وی نیز مانند روایت راویان سنی مذهب، صحیح تلقی شده است.

این راویان در حقیقت حلقه فراموش شده اتصال و ارتباط علمی بین شیعه و اهل سنت در نظام حدیثی این دو مذهب هستند و باید شناسایی شوند، تا این ارتباط و اتصال به سیره قبلی خود برگردد و شکاف و افتراق کم‌رنگ شود. این بازشناسی، قدم مهمی در

۲. دراسات فی الحدیث و المحدثون، ص ۱۴۴.

۳. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵.

۴. رجال الشيعة فی اسانید السنة، ص ۲۴.

۱. نهاية الدراية، صص ۲۶۴ و ۲۶۵؛ عوالی اللئالی، ج ۴،

صص ۱۳۸ و ۱۳۹؛ ریاض المسائل، ج ۱، ص ۶۲.





راستای تقریب مذاهب و وحدت امت اسلامی خواهد بود. یکی از این راویان شیعه مذهب، عباد بن یعقوب اسدی است که مشهورترین محدثان اهل سنت از ایشان احادیثی نقل کرده‌اند و احادیث وی در معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت ثبت شده است. این نوشتار در صدد معرفی و بازشناسی این راوی شیعه مذهب و دیدگاه رجالیون اهل سنت درباره ایشان است و آن را مدخلی برای تفاهم و تقریب - در حوزه حدیث - تلقی می‌نماید.

در زمینه راویان مشترک، علاوه بر کتب رجالی و حدیثی که مملو از اطلاعات خام در این باب است و نیز علاوه بر مقالاتی که به صورت موردی به معرفی راویان مشترک پرداخته‌اند، شاید بتوان این دو کتاب را مهم‌ترین تألیفات در این حوزه برشمرد: *راویان مشترک: پژوهشی در بازشناسی راویان مشترک شیعه و سنی*، تألیف عزیزی، رستگار و بیات و *التواصل بین المذاهب الاسلامیة*، تألیف فاروق حماده. این دو کتاب بسیار مجمل بوده و لازم است جزئیات زیاد مرتبط را بیش از این مورد کنکاش قرار داد.

۱) نام و نسب عباد بن یعقوب

عباد بن یعقوب را رجالیون با نامهای متعددی می‌شناسند:

- عباد بن یعقوب الرواجنی: مشهورترین نام این راوی «عباد بن یعقوب» است و در اکثر کتب رجالی، این نام به چشم می‌خورد و تنها بر یک شخص اطلاق شده و عموماً با پسوند «الرواجنی» همراه است.^۵ سمعانی می‌گوید: از استادم، اسماعیل بن محمد اصفهانی، درباره رواجنی پرسیدم. در جواب گفت: رواجنی در اصل «دواجن» بوده است و دواجنی منسوب به «داجن» است و داجن بر گوسفندی اطلاق می‌شود که بد منظر چاق شدن در خانه [و نه چراگاه] از او

نگهداری می‌شود.^۶ مجلسی بعد از نقل کلام سمعانی از زبان ایشان اضافه می‌کند: که به نظرم - نظر سمعانی - رواجن باید نام قبیله‌ای باشد.^۷

- عباد ابوسعید العصفری کوفی: این نام را نجاشی (۳۷۲-۴۵۰ ق) در رجال خود ذکر کرده است و به نقل از حسین بن عبیدالله می‌گوید: این شخص همان «عباد بن یعقوب» است که ابوسعیمه ناقل کتابش در ذکر نام او تدلیس کرده و او را «عباد ابوسعید العصفری کوفی» نامیده است.^۸ ابن داود حلی (۶۴۷-۷۰۷ ق) نیز همین دیدگاه را دارد و در توضیح راوی شماره ۸۰۷ به نام «عباد ابوسعید العصفری» می‌گوید: «او همان عباد بن یعقوب است».^۹ آیه‌الله خویی از رجالیون معاصر نیز بر این باور است که ابوسعید عصفری همان عباد بن یعقوب می‌باشد.^{۱۰} ناگفته نماند که تعدادی از رجالیون همچون شیخ طوسی، ابوسعید العصفری را شخصی متفاوت از عباد بن یعقوب می‌دانند.^{۱۱}

اسامی دیگری نیز برای این راوی ذکر شده است که می‌توان آن اسامی را ذیل یکی از دو نام فوق جای داد، از جمله: ابوسعید الرواجنی که مجلسی او را به «المشهور بین العامة و الخاصة» تعریف می‌کند^{۱۲} و نیز عباد العصفری.^{۱۳}

۲) تولد و وفات عباد بن یعقوب

سلمی از دارقطنی نقل می‌کند که عباد بن یعقوب رواجنی در سال ۱۵۰ ق متولد شد.^{۱۴} او بعد از یک قرن خدمت به حفظ و نقل احادیث شیعه و اهل سنت، در

۵. الکتنی و الالقاب، ج ۲، ص ۲۸۴.

۶. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۴.

۷. رجال نجاشی، ص ۲۹۳؛ نقد الرجال، ج ۳، ص ۱۸؛ معجم رجال

الحديث، ج ۱۰، صص ۲۲۷ و ۲۲۸.

۸. رجال، ص ۱۱۴.

۹. معجم رجال الحديث، ج ۱۰، صص ۲۲۷ و ۲۲۸.

۱۰. الفهرست، ص ۱۹۲؛ نقد الرجال، ج ۳، ص ۱۸.

۱۱. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۳۱۸.

۱۲. معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۲۳۹.

۱۳. موسوعة اقوال ابي الحسن الدارقطني، ج ۲، ص ۳۴۴.

۵. معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۲۳۷.

سال ۲۵۰ ق^{۱۵} و بنابر قولی دیگر در سال ۲۷۰^{۱۶} یا ۲۷۱ ق^{۱۷} وفات یافت.

۳) مذهب عباد بن یعقوب

با وجود اینکه بسیاری از رجالیون به تشیع عباد بن یعقوب تصریح نموده‌اند،^{۱۸} تعدادی از رجالیون شیعه از جمله شیخ طوسی،^{۱۹} حسن بن علی حلی (د ۶۴۷ ق)^{۲۰} و علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ ق)^{۲۱} معتقدند که عباد بن یعقوب الروجی، سنی مذهب (عامی المذهب) بوده است. ابن داود حلی نیز از رجالیونی است که به سنی مذهب بودن عباد بن یعقوب تصریح کرده است.^{۲۲} او عباد را به عنوان راوی شماره ۱۸ از رویان سنی مذهب در بخش پایان کتابش تحت عنوان «فصل فی ذکر جماعة من العامة» ذکر می‌کند.^{۲۳} تفرشی از رجالیون قرن ۱۱ می‌گوید: عباد بن یعقوب رواجی «عامی المذهب» است که کتابی تحت عنوان «خبر المهدي (ع)» دارد.^{۲۴}

۴) اثبات تشیع عباد بن یعقوب

علاوه بر تصریح تعداد زیادی از رجالیون، دلایل محکم و متقن دیگری نیز بر تشیع عباد رواجی دلالت دارد، از جمله:

الف) احتمال التباس مذهب عباد به دلیل تقیه

آیه‌الله خویی می‌گوید: تعدادی از اهل سنت، بر این باورند که عباد بن یعقوب شیعه مذهب و در عین

۱۵. الکنی و الالتساب، ج ۲، ص ۲۸۳؛ الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۵۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۸؛ موسوعة اقوال ابي الحسن الدارقطني، ج ۲، ص ۳۴۴.
۱۶. الذریعة، ج ۶، ص ۳۳۵.
۱۷. همان، ج ۱، ص ۳۵۲.
۱۸. الکنی و الالتساب، ج ۲، ص ۲۸۲.
۱۹. الفهرست، ص ۱۹۲.
۲۰. الرجال، ص ۲۵۲.
۲۱. خلاصة الاقوال، ص ۳۸۰.
۲۲. رجال، ص ۲۵۲.
۲۳. همان، ص ۲۹۲.
۲۴. نقد الرجال، ج ۳، ص ۱۸.

حال صادق و مورد اعتماد است. بعید نیست که عباد تقیه کرده و همین مسئله باعث شده است که تعدادی از علمای شیعه همچون شیخ طوسی از ظاهر امر، به سنی بودن ایشان حکم کرده باشند؛ زیرا از باطن ایشان خبر نداشته‌اند.^{۲۵}

ب) این همانی کتاب رواجی و کتاب عصفری

آیه‌الله خویی به نقل از محدث نوری در خاتمه المستدک می‌گوید: «وَأما كتاب أبي سعيد عباد العصفري وهو بعينه عباد بن يعقوب الرواجي، ففيه تسعة عشر حديثاً، كلها نقيّة، دالة على تشيعه، بل تعصبه فيه، كالنص على الأئمة الاثني عشر و...»^{۲۶} «کتاب عباد ابوسعید عصفری دقیقاً همان کتاب عباد بن یعقوب رواجی است که مشتمل بر ۱۹ حدیث است که همگی آن احادیث پاک (و خالص در مذهب) هستند که دلالت می‌کنند بر تشیع وی و بلکه بر تعصب ایشان بر مذهب شیعه، مانند حدیث نص درباره امامت ائمه دوازده‌گانه (ع) و...». تألیف کتابی که مشتمل بر حدیثی در باب وجود نص بر امامت ائمه دوازده‌گانه باشد، از متقن‌ترین ادله اثبات تشیع عباد رواجی شمرده می‌شود.

ج) تصریح علمای معاصر رواجی به تشیع ایشان نجاشی از حسین بن عبیدالله نقل می‌کند که تعدادی از یاران شیعی (اصحابنا) تصریح کرده‌اند به اینکه عباد عصفری همان عباد بن یعقوب است.^{۲۷} این تصریح و تأکید را نباید نادیده گرفت، بلکه سند معتبری در تأیید تشیع عباد محسوب می‌گردد؛ زیرا تردیدی درباره تشیع عباد عصفری از جانب رجالیون گزارش نشده است.

تفکیک عباد عصفری از عباد رواجی توسط شیخ طوسی را می‌توان یکی از دلایل تردید ایشان درباره تشیع رواجی برشمرد. ظاهراً علت تردید شیخ طوسی درباره رواجی، اشتباه «عباد بن یعقوب رواجی» نزد

۲۵. معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۲۳۷.

۲۶. همان.

۲۷. همان.





علمای اهل سنت بوده، به طوری که از مشایخ محدثان مشهور اهل سنت همچون بخاری، ترمذی و ... محسوب می شده است، ولی نام «عباد عصفری» در بین آنها مشهور و متداول نبوده است که این امر برای شیخ طوسی در دو زمینه تردید ایجاد کرده است: ۱. تمایز و یا یکی بودن عباد رواجنی با عباد عصفری ۲. شیعه و یا سنی بودن عباد رواجنی مشهور نزد اهل سنت. به خصوص که شیخ به سنی بودن رواجنی و شیعه بودن عصفری تصریح کرده است.^{۲۸}

احتمال این تفکیک و تمایز از جانب شیخ طوسی را می توان به دلایل زیر منتفی دانست:

اولاً؛ شیخ به تبیین بین دو عباد تصریح نکرده و فقط این دو نام را پشت سر هم ذکر نموده است. این عمل شیخ طوسی ظهور در تبیین دارد و نه صراحت در آن. شاید شیخ طوسی هم در تبیین این دو نام تردید داشته که به آن تصریح ننموده است. به همین دلیل مؤلف تفسیر فرات کوفی از کلام شیخ طوسی استنباط نمی کند که او قائل به تفکیک و تبیین این دو اسم باشد.^{۲۹}

ثانیاً؛ قول به تمایز و تبیین این دو عباد (ظاهر کلام شیخ طوسی) و قول به یکی بودن این دو عباد (صراحت کلام نجاشی و حسین بن عبیدالله و دیدگاه محدث نوری) را می توان این گونه جمع کرد که شیخ طوسی به یگانگی و یکی بودن این دو «عباد» علم نداشته است.

ثالثاً؛ شیخ طوسی بسیار متأخرتر از حسین بن عبیدالله است و از حیث تاریخی قول حسین بن عبیدالله بر قول شیخ طوسی مقدم است.

د) تصریح علمای اهل سنت

علمای اهل سنت و از جمله محدثان و رجالیون، بر تشیع عباد بن یعقوب تصریح نموده اند^{۳۰} و

او را صادق شمرده و احادیثش را نقل می کنند و بلکه او را از زمره اساتید بخاری و ترمذی نام می برند. عباد بن یعقوب، شخصیت رجالی مذموم و منفوری نداشته است که گفته شود رجالیون اهل سنت برای طرد وی، اتهام تشیع و رافضی بودن را بر او وارد کرده اند، بلکه برعکس، عباد رواجنی بسیار مورد اعتماد و اعتنای رجالیون و محدثان اهل سنت است.^{۳۱} بنابراین اقرار علمای اهل سنت بر تشیع وی، می تواند دلیل محکمی بر تشیع عباد محسوب گردد.

بروجردی بعد از ذکر اختلاف در مورد مذهب عباد رواجنی، استدلالی با مضمون فوق ارائه کرده و می گوید: «و الصواب أنه من الخاصة و أجلاتهم، لوقوع ذمه و نسبتة الی الرفض فی کتب العامة فی الغایة و الفضل ما شهدت به الاعداء»^{۳۲} «درست این است که عباد بن یعقوب رواجنی از خواص و بزرگان شیعه است، به دلیل ذم وی و نسبت اعلای رفض به وی در جانب کتب اهل سنت، و فضیلت، فضیلتی است که مخالف بر آن اقرار نماید».

هـ) نقل کتب معتبر شیعی

غیر معقول است یک راوی سنی مذهب به عنوان تنها ناقل، یک کتاب معتبر شیعه را روایت نماید، همچنان که عکس این قضیه نیز معقول نیست. بنابراین نقل کتب معتبر شیعه توسط عباد رواجنی و پذیرش آن کتب توسط علمای شیعه، می تواند از دلایل اثبات تشیع ایشان باشد. از جمله کتبی که عباد نقل کرده است، می توان به کتب زیر اشاره کرد:

- النوادر اثر ابویزید خالد بن یزید عکلی؛ ابویزید از محدثان ثقه و معتبر شیعه است. کتاب ابویزید را عباد بن یعقوب رواجنی از او روایت کرده است و این مسئله مورد تأیید نجاشی، حلی، ابن داود و سایر

۲۸. الفهرست، ص ۱۹۲.

۲۹. تفسیر فرات کوفی، ص ۷۰.

۳۰. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۶؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۷۹؛ اکمال تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۱۸۹؛ الاعلام، ج ۳، ص ۲۵۸؛ نقد الرجال، ج ۳، ص ۱۹.

۳۱. رجال الشیعة فی اسانید السنة، ص ۲۴.

۳۲. طرائف المقال، ج ۱، ص ۳۱۴.

علمای رجال است.^{۳۳}

- فضائل امیرالمؤمنین (ع) اثر احمد بن محمد طبری؛ صاحب الذریعه می گوید: ابن طاوس در کتاب الیقین احادیثی از این کتاب نقل کرده و می گوید نسخه ای قدیمی از این کتاب در اختیار دارد که کاتب و نسخ کتاب، آن را در ۴۱۱ ق در قاهره به اتمام رسانده است و کتاب را از جماعتی از مشهورترین محدثان شیعه نقل می کند که عبارتند از: علی بن عباس بجلي، جعفر بن محمد فزاری، محمد بن حسن جبلی، علی بن احمد بن حاتم تمیمی، احمد بن حسین بجلي، حسن بن سکن اسدی، جعفر بن محمد ازدی و جعفر بن محمد دلال.^{۳۴} نکته ای که به بحث این نوشتار مربوط است اینکه ابن طاوس می گوید: این راویان، همگی کتاب را از عباد بن یعقوب نقل کرده اند. به علاوه باید گفت: خود کتاب نیز که در فضایل امیرالمؤمنین (ع) نوشته شده است، دلیل معتبری بر اثبات تشیع راوی کتاب است.^{۳۵}

- الحدیث اثر سری بن عبدالله بن یعقوب سلمی کوفی؛ سلمی از اصحاب موثق امام صادق (ع) است. کتاب را به جز عباد، دیگران نیز از او نقل کرده اند، ولی نجاشی - رجال مشهور - آن را از رواجی نقل می کند.^{۳۶}

- اصل عبدالله بن هیثم کوفی؛ نجاشی می گوید: ابن هیثم کوفی اصلی دارد که رواجی آن را از او نقل کرده است.^{۳۷}

البته منقولات معتبر شیعه توسط عباد بن یعقوب رواجی منحصر در موارد فوق نیست و علما موارد دیگری نیز ذکر کرده اند، از جمله کتاب ابومحمد عبید بن محمد بن قیس کوفی بجلي که یک محدث امامی

۳۳. الفائق، ج ۱، صص ۵۱۶ و ۵۱۷؛ تهذیب المقال، ج ۵، ص ۳۹۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۴۳؛ رجال نجاشی، ص ۱۵۱؛ تقد الرجال، ج ۲، ص ۱۹۱.

۳۴. الذریعه، ج ۱۶، ص ۲۵۵.

۳۵. همان.

۳۶. همان، ج ۶، ص ۳۳۵.

۳۷. همان، ج ۲، ص ۱۶۳.

مذهب است.^{۳۸}

و کتابهای عباد بن یعقوب رواجی

- اخبار المهدی (ع)؛ عباد بن یعقوب به گواهی علمای شیعه و اهل سنت، کتابی تحت عنوان اخبار المهدی (ع) تألیف کرده است.^{۳۹} کتاب اخبار المهدی (ع) را علی بن عباس المقانعی از او نقل کرده است.^{۴۰} این کتاب ظاهراً باید همان کتابی باشد که محدث نوری درباره آن می گوید: «مشمول بر ۱۹ حدیث است که همگی آن احادیث پاک [و خالص در مذهب شیعه] هستند و دلالت می کنند بر تشیع وی و بلکه بر تعصب ایشان بر مذهب شیعه، مانند حدیث نص درباره امامت ائمه دوازده گانه (ع) و ...». تألیف کتابی که مشتمل بر احادیثی در باب وجود نص بر امامت ائمه دوازده گانه و امثال آن باشد، از متقن ترین ادله اثبات تشیع عباد رواجی شمرده می شود.^{۴۱}

روایات رواجی در تأیید مذهب تشیع و مخالفت با تفکر رایج اهل سنت، توسط علما و رجال یون اهل سنت هم تأیید شده است، از جمله بدگویی از خلیفه سوم، طلحه و زبیر، نقل فضایل و مثالب، و اعلام برائت بعد از نمازها از اعداء آل محمد (ص).^{۴۲} اقرار به نقل این گونه احادیث توسط رواجی از جانب محدثان اهل سنت، قوی ترین دلیل بر صحت وقوع آن است و صحت وقوع آن، معنایی جز اثبات تشیع رواجی ندارد.

- المعرفه؛ این کتاب نیز که با موضوع شناخت صحابه (رض) تدوین شده، دلیل محکم دیگری بر تشیع عباد است. اگرچه این کتاب در دسترس نیست، ولی ابن طاوس در کتاب الیقین روایاتی را نقل می کند که در آن تصریح کرده که این احادیث را از کتاب

۳۸. الفائق، ج ۳، ص ۳۴۶.

۳۹. الذریعه، ج ۱، ص ۳۵۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۳۷؛ الاعلام، ج ۴، ص ۲۵۸.

۴۰. تقد الرجال، ج ۳، ص ۱۸؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۳۷.

۴۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۳۷.

۴۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۷.





المعرفة عباد رواجنی اخذ کرده است. آن احادیث همگی در بیان فضایل امام علی(ع) و تأیید مذهب شیعه هستند و خوشبختانه کتاب ابن طاوس در دسترس است و به مواردی که از کتاب المعرفة رواجنی اخذ کرده است، اشاره می‌کند.^{۴۳} علاوه بر کتاب ابن طاوس، بحار الانوار نیز بخشهایی از کتاب و روایات رواجنی در این باره را بازگو کرده است.^{۴۴} کتاب المعرفة مورد اشاره علمای اهل سنت نیز قرار گرفته است.^{۴۵}

ز) وجود نام «ابوسعید عباد بن یعقوب الرواجنی» در کتب رجالی و حدیثی اهل سنت، رواجنی به نام «ابوسعید عباد بن یعقوب الاسدی، الرواجنی الکوفی» ثبت شده است و این نام، ترکیبی از دو نامی است که بعضی گمان کرده‌اند، دو شخص متمایز و متباین هستند. بسیاری از رجالیون شیعه، «ابوسعید» را کنیه عصری می‌دانند، در حالی که در بعضی از کتب حدیثی مانند بحار الانوار^{۴۶} و نیز در کتب رجالی اهل سنت، این کنیه برای رواجنی ثبت شده است.^{۴۷} وجود این نام که مشتمل بر هر دو نام «ابوسعید عصری» و «عباد رواجنی» است، قرینه متقنی در اثبات این همانی رواجنی و عصری می‌باشد و در صورتی که ثابت شود رواجنی همان عصری (ابوسعید) است، تردیدی در تشیع وی باقی نمی‌ماند؛ زیرا همه رجالیون شیعه بر تشیع عصری اتفاق نظر دارند.^{۴۸}

ح) مضمون روایات عباد بن یعقوب در کتب حدیثی اهل سنت

نوع روایات عباد که بخشی از آن توسط راویان اهل سنت نقل، و در کتب معتبر حدیثی اهل سنت ثبت

شده است، درباره تشیع عباد بن یعقوب تردیدی باقی نمی‌گذارد. این روایات در بخش آخر همین نوشتار تحت عنوان «گونه‌شناسی روایات عباد بن یعقوب در کتب حدیثی اهل سنت» با تفصیل معرفی خواهد شد. در نهایت باید گفت که تشیع رواجنی، تعصب مذهبی و تبلیغ مذهبی ایشان به حدی بارز و قطعی و تردید ناپذیر است که ذهبی بعد از ذکر نقل قولهایی در این زمینه، از اعتماد محدثان اهل سنت، بر احادیث رواجنی تعجب کرده و می‌گوید: «وَمَا أَدْرِي كَيْفَ تَسْمَحُوا فِي الْأَخْذِ عَمَّنْ هَذَا حَالُهُ؟ وَإِنَّمَا وَثَقُوا بِصِدْقِهِ»^{۴۹} «من نمی‌دانم [علما] چگونه اجازه اخذ حدیث از کسی را داده‌اند که چنین حالی [از تعصب شدید در تشیع] دارد و به صداقت او اعتماد کرده‌اند».

۵) اعتبار و روایات عباد بن یعقوب در کتب حدیثی شیعه

عباد بن یعقوب از راویان موثق شیعی است. آیه‌الله خویی درباره این راوی می‌گوید: این شخص را با عباد عصری یک نفر بدانیم و یا متباین از ایشان، در هر حال ثقه و مورد اعتماد است.^{۵۰} ذکر این نکته لازم است که تنها جرحی که رجالیون بر عباد وارد نموده‌اند، «عامی المذهب»؛ یعنی سنی بودن است^{۵۱} که با اثبات تشیع وی، این جرح نیز مرتفع خواهد شد.

روایات زیادی از عباد بن یعقوب رواجنی در کتب حدیثی و تفسیری نقل شده است که نمونه‌هایی از آن عبارتند از: تفسیر آیه «وَإِنَّا لَنَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^{۵۲} در تفسیر قمی؛^{۵۳} الکافی، جزء ۳، کتاب الصلاة ۴، باب قراءة القرآن ۲۱، حدیث ۳؛ الکافی، جزء ۲، کتاب الایمان و الکفر ۱، باب التفویض إلى الله و التوکل علیه ۳۲، حدیث

۴۳. یقین، صص ۱۰۴ و ۱۰۵، ۲۷۱ و ۲۷۲، ۲۷۵-۲۷۸.

۴۴. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۹۲؛ ج ۳۱، صص ۶۲۷ و ۶۲۸؛ ج ۳۷، صص ۳۰۸ و ۳۱۰؛ ج ۴۲، صص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۴۵. الاعلام، ج ۳، ص ۲۵۸.

۴۶. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۳۱۸.

۴۷. فتح الباب، ص ۳۷۸؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۶؛ لسان المیزان، ج ۷، ص ۲۵۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۱۰۹.

۴۸. الفهرست، ص ۱۹۲؛ نقد الرجال، ج ۳، ص ۱۸؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۳۷.

۴۹. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۸.

۵۰. معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۳۷.

۵۱. الفهرست، ص ۱۹۲؛ خلاصة الاقوال، ص ۳۸۰؛ رجال، ص ۲۵۲؛

نقد الرجال، ج ۳، ص ۱۸.

۵۲. شوری، ۵۲.

۵۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۳۷.

۸: الکافی، جزء ۶، کتاب الأَطْعَمَة ۶، باب الألبان ۸۴، حدیث ۲: التَّهْذِيبُ، جزء ۳، باب فضل شهر رمضان و الصلاة فيه، حدیث ۲۱۱: التَّهْذِيبُ، جزء ۴، باب كمية الفطرة، حدیث ۲۴۰: الاستبصار، جزء ۲، باب كمية زكاة الفطرة، حدیث ۵۴، ۱۶

۶) عباد بن یعقوب از دیدگاه رجالیون اهل سنت
 قمی در بیان دیدگاه رجالیون و محدثان اهل سنت درباره عباد بن یعقوب، می‌گوید: بخاری، ترمذی، ابن ماجه، ابوداود، ابن خزيمة و دیگران از عباد بن یعقوب حدیث نقل کرده‌اند. ابوحاتم از رجالیون اهل سنت او را توثیق نموده است. ابن ابی شیبہ گفته است: اگر این دو نفر از شیعه (عباد بن یعقوب و ابراهیم بن محمد بن میمون) نبودند، احادیث صحیحی برای شیعه باقی نمی‌ماند. از نظر اهل سنت، عباد به ترویج تشیع می‌پرداخت. ابن عدی معتقد است که عباد در تشیع غلو نموده و احادیثی در فضایل و منالِب نقل کرده که غیر قابل قبول‌اند، از جمله: قاسم بن زکریا مطرز می‌گوید: در خانه عباد شمشیری آویزان دیدم. گفتم: این برای کیست؟ جواب داد: آن را آماده کرده‌ام تا با آن به همراه مهدی (ع) جهاد کنم. عباد از عاصم از عبدالله بن عوف نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: «إذا رأيت معاوية على منبري فاقتلوه»؛ «هرگاه معاویه را بر منبر من دیدید، او را بکشید» و همچنین عباد از ابن مسعود نقل کرده که «و كفى الله المؤمنين القتال بعلی» و باز هم از عباد نقل شده که می‌گفت: «من لم يتبرء في صلاته كل يوم من اعداء آل محمد (ص) حشر معهم». سمعانی معتقد است که دلیل اعتماد بزرگان حدیثی اهل سنت به عباد - به‌رغم افراط در تشیع و دعوت به آن و نقل فضایل و مثالب - این است که او تابع هوی و هوس خویش نبود. ۵۵ سایر علما مظالِب مشابهی در این زمینه بیان

۵۴. همان، ج ۱۰، ص ۲۳۸.

۵۵. الكنى و الالقاب، ج ۲، صص ۲۸۲-۲۸۴.

کرده‌اند. ۵۶

دیدگاه قمی و سایر رجالیون شیعه درباره توثیق عباد از جانب رجالیون اهل سنت، صحیح و دقیق است؛ رجالیون اهل سنت، رواجی را شیخ، عالم، صدوق و محدث شیعه، وصف کرده‌اند، ۵۷ دارقطنی او را «شیعی صدوق» می‌داند، ۵۸ زرکلی از او با عنوان «فاضل امامی» نام می‌برد ۵۹ و ابوحاتم رجالی مشهور او را «شَيْخٌ، ثَقَّةٌ» می‌نامد. ۶۰

رواجی به‌رغم اتهاماتی که برخی از رجالیون اهل سنت متوجه او کرده‌اند ۶۱ و بیشتر ناظر به مذهب تشیع ایشان است، ۶۲ در نهایت به دلیل صداقت، مورد تأیید سخت‌گیرترین محدثان اهل سنت نیز قرار گرفته است و این مسئله «فی نفسه» باید برای شیعه یک سند افتخار و برای مسلمانان یک نمونه هم‌گرایی و دگرپذیری تلقی گردد.

ذهبی، محدث و رجالی مشهور اهل سنت، در کتابی که در مورد راویان موثق و مورد اعتمادی نگاشته که پیرامون آنها ایراداتی مطرح شده است، رواجی را به عنوان راوی شماره ۱۷۶ کتاب خود ذکر می‌کند و ذیل او می‌گوید: «صدوق فی الحدیث رافضی جلد». ۶۳ مراد مؤلف از این کلام مختصر، این است که اتهام - تنها اتهام - رواجی، شیعه بودن او است، ولی

۵۶. رجال الشيعة فی اسانید السنة، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.

۵۷. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۶: میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۷۹.

۵۸. اکمال تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۱۸۹.

۵۹. الاعلام، ج ۳، ص ۲۵۸.

۶۰. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۷.

۶۱. همان، ج ۱۱، ص ۵۳۶.

۶۲. ایرادات وارد بر رواجی بیشتر ناظر به مذهب ایشان است، چنان‌که ابن خزيمة در سند حدیثی که از او نقل می‌کند، می‌گوید: «عَبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ - النَّتْمُ فِي رَأْيِهِ، الثَّقَّةُ فِي حَدِيثِهِ - ...» (صحیح ابن خزيمة، ج ۲، ص ۳۷۶) و ابن عدی درباره او می‌گوید: «فِيهِ غُلُوٌّ فِي الشَّيْخِ» (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۷) و یا تعبیر «كان داعية إلى الرفض» درباره عباد به کار رفته است (میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۸۰).

۶۳. ذکر اسماء، ص ۱۰۶.





با این وصف، در نقل حدیث، صدوق و معتبر است. نکته مهم درباره شخصیت حدیثی رواجی که شاید یکی از زمینه‌های تردید شیخ طوسی درباره تشیع ایشان را نیز فراهم آورده، این است که رواجی در همان حال که از راویان بسیار معتبر شیعی، کتابها و اصول معتبر شیعه را نقل می‌کند، از راویان بسیار پرآوازه اهل سنت نیز حدیث نقل کرده است، از جمله: شریک قاضی، عباد بن عوام، ابراهیم بن ابی یحیی، ولید بن ابی ثور، اسماعیل بن عیاش، عبدالله بن عبدالقدوس، حسین بن امام شهید زید بن علی و دیگران.^{۶۴}

علاوه بر مشایخ مشهور سنی مذهب در لیست مشایخ حدیثی رواجی، راویان و به اصطلاح تلامذ سنی مذهب ایشان نیز از معتبرترین رجال و محدثان اهل سنت هستند، از جمله: بخاری، ترمذی، ابن ماجه، ابوبکر بزار، صالح جزیره، ابن خزیمه، حکیم ترمذی، ابن صاعد و دیگران.^{۶۵}

در نهایت، روایات نقل شده توسط عباد بن یعقوب را محدثان مشهور اهل سنت و صاحبان کتب معتبر، در کتب حدیثی خود ثبت کرده‌اند، از جمله:

- بخاری حدیثی با این مضمون نقل کرده است که نماز در اول وقت، سپس نیکی به والدین، سپس جهاد در راه خدا با فضیلت‌ترین اعمال هستند.^{۶۶}

- ترمذی سه حدیث از رواجی نقل کرده است که طبق تخریج البانی حدیث اول ضعیف و حدیث دوم و سوم صحیح هستند.^{۶۷}

- ابن ماجه روایت عباد بن یعقوب را با سندی از فرزندان امام علی (ع) نقل می‌کند.^{۶۸}

- احمد بن حنبل در مسند خود، دو حدیث از رواجی نقل کرده است که هر دو حدیث به امام علی (ع) می‌رسند.^{۶۹} علاوه بر مسند، ابن حنبل در کتاب دیگرش، فضائل الصحابه نیز روایاتی از عباد بن یعقوب نقل می‌کند که یا به امام علی (ع) می‌رسند و یا در ارتباط با او هستند.^{۷۰}

- ابن خزیمه روایتی از رواجی نقل می‌کند که سند آن به ابن عباس (رض) می‌رسد.^{۷۱}

- حاکم نیشابوری حدیثی درباره محبوبیت حضرت علی (ع) و فاطمه (س) نزد پیامبر (ص) از رواجی نقل کرده است.^{۷۲}

۷) گونه‌شناسی روایات عباد بن یعقوب در کتب حدیثی اهل سنت

تعداد قابل توجهی از روایات رواجی به امام علی (ع) می‌رسد، مانند روایاتی از ترمذی،^{۷۳} احمد بن حنبل،^{۷۴} حاکم نیشابوری صاحب المستدرک^{۷۵} و بزار.^{۷۶} عباد روایاتی هم نقل کرده که به سایر بزرگان از بنی هاشم می‌رسد که رابطه نسبی و فکری نزدیکی با اهل بیت (ع) داشته‌اند، مانند روایتی که به عباس بن عبدالمطلب می‌رسد،^{۷۷} یا روایاتی که به ابن عباس (رض) صحابی بزرگوار می‌رسد^{۷۸} و یا روایتی که بیهقی از او نقل می‌کند و به جعفر بن محمد

۶۹. مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۲، صص ۴۴۹ و ۴۵۰.

۷۰. فضائل الصحابه، ج ۱، ص ۵۳۸؛ ج ۲، صص ۶۱۹، ۶۶۸، ۶۷۷ و ۶۷۸.

۷۱. صحیح ابن خزیمه، ج ۲، ص ۳۷۶.

۷۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۷۷؛ ج ۲، صص ۵۳۴ و ۶۷۷؛ ج ۳، ص ۱۶۷.

۷۳. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۵۹۳.

۷۴. فضائل الصحابه، ج ۱، ص ۵۳۸؛ ج ۲، ص ۶۷۷؛ مسند الامام

احمد بن حنبل، ج ۲، صص ۴۴۹ و ۴۵۰.

۷۵. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۶۷۷.

۷۶. البحر الزخار، ج ۲، صص ۱۹۱ و ۲۸۰.

۷۷. همان، ج ۴، ص ۱۳۴.

۷۸. صحیح ابن خزیمه، ج ۲، ص ۳۷۶.

۶۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۱۰۹.

۶۵. همان.

۶۶. صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۵۶.

۶۷. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۲۸۳؛ ج ۴، ص ۴۹۵؛ ج ۵، ص ۵۹۳.

۶۸. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۷۱؛ البحر الزخار، ج ۲، ص ۱۱۶.

نوه امام حسین (ع) می‌رسد.^{۷۹}

در تعدادی از روایات، بخش قابل توجهی از سند حدیث عباد بن یعقوب، راویانی شیعی هستند، مانند حدیثی درباره سفارش پیامبر (ص) به غسل خود بعد از وفات که ابن ماجه و بزار آن را نقل کرده‌اند؛ عباد این حدیث را از حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی (ع)، از اسماعیل بن عبدالله بن جعفر (ع)، از عبدالله بن جعفر (ع)، از امام جعفر (ع)، از امام علی (ع)، از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند.^{۸۰}

عباد در سندی دیگر، از موسی بن عمیر، از جعفر بن محمد بن علی بن حسین (ع)، از پدرش (محمد)، از جدش امام حسین (ع)، از امام علی (ع)، از پیامبر (ص) حدیثی درباره اولویت بنی هاشم نزد پیامبر (ص) نقل می‌کند.^{۸۱}

این‌گونه اسانید در روایات نقل شده توسط عباد، دلیلی معتبر و موثق در اثبات تشیع وی است. علاوه بر این، عباد روایاتی نیز درباره امام علی (ع) یا فرزندانش بیان کرده است، مانند روایت بزار درباره مراجعت امام علی (ع) از یمن و مباحثه‌اش با حضرت فاطمه (س)^{۸۲} و روایت حرمت نگاه مجدد به نامحرم که در روایت عباد با خطاب «یا علی...» شروع می‌شود.^{۸۳} عباد در روایت دیگری عهد پیامبر (ص) با امام علی (ع) درباره قتال با ناکثین، قاسطین و مارقین را گزارش کرده است.^{۸۴} روایت دیگری نیز درباره علاقه و محبت پیامبر اکرم (ص) نسبت به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) از عباد نقل شده است.^{۸۵}

عباد در روایت دیگری درباره سبقت امام علی (ع) در ایمان به پیامبر (ص) می‌گوید: «نَبِيُّ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَأَسْلَمَ عَلِيُّ يَوْمَ الثَّلَاثَةِ»^{۸۶} «پیامبر (ص) روز دوشنبه به نبوت مبعوث گردید و علی (ع) روز سه شنبه ایمان آورد». در حدیث دیگری که عباد راوی آن است، پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) می‌فرماید که خداوند به من امر فرموده که تو را تعلیم دهم.^{۸۷} روایتی نیز درباره اخوت بین پیامبر (ص) و امام علی (ع)، وزارت علی (ع) برای او و شریک بودن در امر (دعوت) نقل کرده است.^{۸۸}

حاکم نیز روایتی مبنی بر اینکه علی (ع) و همسرش فاطمه (س) نزد پیامبر (ص) از همه محبوب‌تر بوده‌اند، از عباد بن یعقوب نقل کرده است.^{۸۹} ذهبی روایاتی را از رواجی در باب لزوم ایمان به ولایت علی (ع)^{۹۰} و لزوم تبری جستن از اعداء آل محمد (ص) نقل می‌کند^{۹۱} و به علاوه گزارشاتی از بدگویی عباد درباره خلیفه سوم، طلحه و زبیر نیز بازگو کرده است.^{۹۲} محتوای روایاتی که عباد در زنجیره اسناد آنها قرار دارد، به خوبی نشان می‌دهد که نمی‌توان در مورد تشیع وی تردید نمود.

نتیجه‌گیری

۱. عباد بن یعقوب رواجی اسدی کوفی همان عباد ابوسعید عصفری است.
۲. عباد بن یعقوب از راویان شیعه و بلکه از بزرگان و مروجان مذهب شیعه در عصر خود قلمداد می‌شود که در راستای خدمت به احادیث اسلامی - شیعی و سنی - تلاش زیادی تقبل نموده است.
۳. محدثان و رجالیون اهل سنت، عباد بن یعقوب را به درستی می‌شناخته و از افکار مذهبی ایشان اطلاع

۸۶. همان، ج ۹، ص ۳۲۱.

۸۷. همان، ج ۹، ص ۳۲۴.

۸۸. فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۷۸.

۸۹. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷.

۹۰. تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۹۷۰.

۹۱. همان، ج ۵، ص ۱۱۵۳.

۹۲. همان.

۷۹. شعب الایمان، ج ۴، ص ۴۳۶.

۸۰. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۷۱؛ البحر الزخار، ج ۲، ص ۱۱۶.

۸۱. فضائل الصحابة، ج ۲، صص ۶۶۸ و ۶۱۹.

۸۲. البحر الزخار، ج ۲، ص ۱۳۱.

۸۳. همان، ج ۲، ص ۲۸۰.

۸۴. همان، ج ۳، ص ۲۶.

۸۵. همان، ج ۳، ص ۲۸۶.





کتابنامه

- کافی داشته و نسبت به تشیع ایشان تردید نداشته‌اند.
۴. رجال‌یون اهل سنت، با وجود علم به تشیع عباد، او را به خاطر صداقت و امانت‌داری در نقل حدیث ستوده و اجازه نقل حدیث از او را داده‌اند.
۵. محدثان اهل سنت - بدرغم علم به تشیع عباد - به خاطر اعتمادی که به صداقت و راستگویی عباد داشته‌اند، احادیث متعددی در زمینه‌های مختلف از او نقل کرده‌اند.
۶. بر امت اسلام و به‌خصوص علما و روشنفکران دینی لازم است، بدبینی، عداوت و کوتاه‌نظری را کنار گذاشته و براساس اصل اخوت و لزوم تعاون بر نیکی و تقوی در امور دینی همکاری داشته باشند.
- قرآن کریم.
- ابن ابی‌جمهور احسائی، عوالی اللئالی، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ق.
- ابن حجر، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، هند، دائرة المعارف النظامية، چاپ اول، ۱۳۲۶ق.
- همو، لسان المیزان، تحقیق: دائرة المعارف النظامية، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۱م.
- ابن خزیمه، محمد بن اسحاق، صحیح ابن خزیمه، تحقیق: محمد مصطفی اعظمی، بیروت، المکتب الاسلامی، بی‌تا.
- ابن داود حلی، حسن بن علی، رجال، نجف، حیدریه، ۱۹۷۲م.
- ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین، قم، دارالکتاب، ۱۴۱۳ق.
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بی‌جا، داراحیاء الکتب العربیه، بی‌تا.
- ابن‌مَنده، محمد بن اسحاق، فتح الباب فی الکنی و الالقب، تحقیق: نظر محمد فاریابی، ریاض، مکتبه الکوثر، چاپ اول، ۱۹۹۶م.
- احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، تحقیق: وصی الله محمد عباس، بیروت، الرسالة، چاپ اول، ۱۹۸۳م.
- همو، مسند الامام احمد بن حنبل، تحقیق: شعيب ارتنؤوط، عادل مرشد و دیگران، بی‌جا، الرسالة، چاپ اول، ۲۰۰۱م.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بی‌جا، دارطوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- بروجردي، علی اصغر بن حمد شفیع جابلقی، طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- بزار، احمد بن عمرو، البحر الزخار، تحقیق: محفوظ رحمن زین‌الله، عادل بن سعد و صبری عبدالخالق شافعی، مدینه، مکتبه العلوم و الحكم، چاپ اول، ۲۰۰۹م.
- بکجری، مغلطای بن قلیج، اکمال تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق: عادل بن محمد و اسامة بن ابراهیم، بی‌جا، الفاروق الحدیثه، چاپ اول، ۲۰۰۱م.
- بیهقی، احمد بن حسین، شعب الایمان، تحقیق: عبدالعلی عبدالحمید حامد، ریاض، مکتبه الرشید؛ بومبای، دارالسلفیه، چاپ اول، ۲۰۰۳م.
- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکر، محمد فؤاد عبدالباقی و ابراهیم عطوة عوض، مصر، مصطفی البابی الحلبي، چاپ دوم، ۱۹۷۵م.
- تفرشی، مصطفی بن حسین، نقد الرجال، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۷۶ش.
- تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۹۸۳م.

- حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۹۹۰م.

- حسنى، هاشم معروف، دراسات فى الحديث و المحدثون، بيروت، دارالتعارف، چاپ دوم، ۱۹۷۸م.

- حلى، حسن بن على، الرجال، بی جا، بی نا، بی تا.

- حلى، حسن بن يوسف، خلاصة الاقوال فى معرفة الرجال، تحقيق: جواد قیومی، بی جا، الفقهة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

- خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، بی جا، بی نا، چاپ پنجم، ۱۹۹۲م.

- ذهبی، محمد بن احمد، تاريخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقيق: بشار عواد معروف، بی جا، دارالغرب الاسلامی، چاپ اول، ۲۰۰۳م.

- همو، ذکر اسماء من تكلم فيه و هو موثق، تحقيق: محمد شكور بن محمود حاجی میادینی، زرقاء، مكتبة المنار، چاپ اول، ۱۹۸۶م.

- همو، سير اعلام النبلاء، اشراف: شعيب ارنؤوط، بی جا، الرسالة، چاپ سوم، ۱۹۸۵م.

- همو، میزان الاعتدال فى نقد الرجال، تحقيق: على محمد بجاوى، بيروت، دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۹۶۳م.

- زرکلى، خير الدين، الاعلام، بی جا، دارالعلم للملایین، ۲۰۰۲م.

- شبستری، عبدالحسین، الفائق فى رواة و اصحاب الامام الصادق (ع)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

- صدر، سید حسن، نهاية الدراية فى شرح الرسالة الموسومة بالوجيزة للبهائى، تحقيق: ماجد غرباوى، بی جا، المشعر، ۱۳۵۴ش.

- طباطبایى، سید على، رياض المسائل فى بیان احكام الشرع بالادلة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

- طبسى، محمدجعفر، رجال الشيعة فى اسانيد السنة،

قم، بنياد معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

- طوسى، محمد بن حسن، الفهرست، تحقيق: جواد قیومی، بی جا، الفقهة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

- فرات كوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات كوفى، بی جا، بی نا، بی تا.

- قمى، عباس، الكنى و الالقاب، تهران، مكتبة الصدر، بی تا.

- مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بيروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۹۸۳م.

- مسلمى، محمدمهدي، و دیگران، موسوعة اقوال ابی الحسن الدارقطنی فى رجال الحديث و علله، بيروت، عالم الكتاب، ۲۰۰۱م.

- موحد ابطحی، محمدعلى، تهذيب المقال فى تنقيح كتاب الرجال، قم، محمد پسر مؤلف، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

- نجاشی، احمد بن على، رجال نجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشيعة)، تحقيق: سید موسى شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.

